

**مریم‌احمدی‌شیروان** | فتوت‌واژه‌ای نیست که در غبار تاریخ گم شده باشد؛ بلکه یک نیاز مبرم و یک راهبرد بقابرای روزگار ماست؛ روزگاری که انسانیت در معرض آزمون‌های سخت قرار گرفته است. امروز که تقویم به نام «جوانمردی و فتوت» رقم خورده‌و این نام‌با چهارشنبه‌امام‌رضایی پیوند می‌یابد، بهترین فرصت است تا به سراغ کامل‌ترین نسخه این مرام‌نامه برویم: مکتب اهل بیت(ع). مکتبی که در سیره و رفتار امام‌رضاع(ع) به یک الگوی عملی و تمدن‌ساز برای تمام اعصار بدل شد؛ الگویی که به ما می آموزد چگونه در اوج قدرت، خادم باشیم و در عین اختلاف، اهل مدارا.

ابعاد این الگوی راه‌گشا و کاربرد آن برای انسان امروز را در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام محمد یزدان‌نیا، کارشناس دینی و استاد حوزه و دانشگاه جویا شده‌ایم.

#### ■ جوهره جوانمردی؛ فراتر از یک صفت

حجت الاسلام یزدان‌نیا در ابتدای این گفت‌وگوودر پاسخ به این پرسش که فتوت و مروت در مکتب‌رضوی چه تعریفی دارند، به ریشه‌شناسی این مفاهیم پرداخته و می‌گوید: پیش از ورود به منظومه‌فکری حضرت‌رضاع(ع)، باید معنای دقیق لغوی و اصطلاحی این دواژه کلیدی را درک کنیم. «فتوت» از ریشه «فتی» به معنای جوان گرفته شده و به مفاهیمی چون جوانمردی، بخشندگی و کرامت اشاره دارد. فلسفه این نام‌گذاری در یک تشبیه عمیق نهفته است؛ همان‌طور که یک جوان از نظر قوای جسمی در اوج سلامت و تعادل قرار دارد، یک جوانمرد نیز از منظر کمالات اخلاقی و فضائل انسانی در بالاترین و استوارترین وضعیت‌روحی به‌سر می‌برد. این مفهوم، صرفاً یک خوش‌خلقی ساده‌نیست، بلکه نماد یک انسانیت به‌کمال رسیده است.

او اضافه می‌کند: در کنار فتوت، مفهوم «مروت» قرار دارد که از ریشه مَرَه به معنای مرد و مردانگی گرفته شده‌است. مروت در حقیقت یک نیروی محرکه درونی است که انسان را به سمت کسب فضائل و پرهیز از ذائل اخلاقی سوق می‌دهد. این صفت، انسان را وامی‌دارد شأن و کرامت انسانی خودو دیگران را در هر شرایطی حفظ کند. بنابراین، فتوت و مروت دو بال یک پرنده‌اند که انسان را از حفیض خودخواهی به‌اوج دیگرخواهی و کمال انسانی پرواز می‌دهند و تمایزشان با مفاهیم مشابه در همین جامعیت و عمق نهفته‌است.

#### ■ امام‌رضاع(ع)؛ معمار تمدن فتوت

این استاد حوزه و دانشگاه در ادامه به نقش بی‌بدیل امام هشتم(ع) در ارتقای این مفهوم اشاره و تصریح می‌کند: هنر بزرگ حضرت رضاع(ع) این بود که فتوت و مروت را از سطح احساسات نپک فردی و رفتارهای مقطعی، به عرصه یک ساختار اخلاقی -اجتماعی و الگوی تمدنی ارتقا دادند. ایشان این مفهوم را از یک کنش اتفاقی به یک روش زندگی جمعی تبدیل کردند که این تحول بنیادین از طریق سه راهبرد هوشمندانه محقق شد. نخست، ساختار شکنی

### در حرم

## روایت‌هایی از معتکفان مراسم اعتکاف ماه رجب ۱۴۰۴ در حرم مطهر رضوی

**الله‌ضمیری** | هوای مشهد سرد است، از آن سرماهایی که تا مغز استخوان می‌نشیند، اما حیاط مسجد گوهرشاد، گرم‌نگاهیایی است که به‌به گنبد طلا گره خورده است. مسجد گوهرشاد، قدیمی و استوار، بار دیگر میزبان زاننی است که سه روز از زندگی خود را به سکوت، دعا و گفت‌وگو با خدا سپرده‌اند؛ زاننی که هرکدام قصه‌ای در دل دارند و این قصه‌ها، در کنار هم، روایت اعتکاف رجب ۱۴۰۴ را شکل می‌دهد.

#### ■ خانه‌ای فراتر از جغرافیا

در گوشه‌ای از حیاط مسجد گوهرشاد، دوزن پتو به دور خود پیچیده‌اند. سرما نوک پینیشان را سرخ کرده، اما نگاهشان گرم و ثابت به گنبد طلایی دوخته شده‌است. نه عجله‌ای در کار است و نه سخنی اضافه، حال‌وهوایی که انگار خریدنی نیست و فقط باید آن را زیست. از همین‌جا، روایت آغاز می‌شود. کنارشان می‌ایستم. گفت‌وگو آرام آرام شکل می‌گیرد. فاطمه کول آبادی، بیست‌ساله، نخستین کسی است که روایت را شروع می‌کند. او اهل مشهد، اما حالا ساکن تهران است. می‌گوید سال‌ها مجاور امام رضاع(ع) بوده و زندگی‌اش با حرم مطهر گره خورده است. «من ۲۰ سال همسایه آقا بودم. کسی که هر شنبه و چهارشنبه حرم رفتنش ترک نمی‌شد. حرم برایش مثل یک خانه‌است». سه هفته‌ای می‌شود که به تهران رفته و همین دوری کوتاه، برایش به دل‌تنگی عمیقی تبدیل شده است. دل‌تنگی‌ای که به گفته خودش، کمتر از دل‌تنگی برای خانواده نبوده: «همان قدر که برای دوری از خانواده گریه کردم، برای دوری از حرم هم اشک ریختم. امام‌رضاع(ع) برای من خانواده است». ماجرای رفتن به تهران را هم بی‌ارتباط با عنایت امام نمی‌داند. اما ترجیح می‌ده